

Criticism of the commentators' historical point of view in the intrerpretation of the phrase for the first gathering and its connection with the Jews of Bani al-Nazir

Ezzatollah Mowlae nia*

Maryam Jazayeri**

Abstract

The decisive tone of the opening verses of this sura is a sign of the seriousness of the dangerous trend which, if not eradicated by God's direct will, will cause trouble for Muslims. And by attributing some matters during this confrontation to himself, God warns the Muslims to be alert and in the atmosphere of war-mongering and treaty-breaking by some tribes of the People of the Book, while maintaining unity and integrity among themselves, from the traitors who pretend to be Muslims. They intend to disrupt the Islamic system with their hypocrisy and hypocrisy, don't forget. And by stating the outcome of the actions of those who follow the devil, there is no end except divine punishment, he emphasizes the need to pay attention to God and glorify Him. This article, by examining the general content of Surah Hashr and its first 5 verses, criticizes the prevailing opinion of the commentators about the naming of this Surah as Hashr and presents a new point of view. in such a way that it does not have the

* Ph.D. in Qur'an and Hadith Sciences, Associate Professor of the Department of Qur'an and Hadith, Member of the Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom (Corresponding Author),
molaeiniya@gmail.com

** PhD student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom,
marham725@gmail.com

Date received: 2023/05/03, Date of acceptance: 2023/05/29



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۲۴ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲

historical conflict of the commentators' point of view and is more suitable to the context and tone of the opening verses of the Surah.

Keywords: Gathering, the first gathering, Jews, Bano al-nazir, Bano al-Qaynoqa.

نقد دیدگاه تاریخی مفسران در تفسیر عبارت لاول الحشر و ارتباط آن با یهود بنی النضیر

عزت‌الله مولایی‌نیا*

مریم جزایری**

چکیده

سوره‌ی حشر در جریان رویارویی پیامبر(ص) با یکی از قبایل یهودی ساکن مدینه فرود آمده است. لحن قاطع آیات ابتدایی این سوره، نسبت به جریان خطرناکی هشدار می‌دهد که جز با اراده‌ی مستقیم خداوند ریشه‌کن نخواهد شد و بر ضرورت هشجاری مسلمانان در حفظ وحدت میان خود در برابر برخی از قبایل جنگ‌افروز و پیمان‌شکن اهل کتاب و توطئه‌های منافقین تأکید نموده و از آنان می‌خواهد که از فرجام کسانی که با پیروی از شیطان، دچار عذاب الهی خواهند شد، عبرت بگیرند، تقوا پیشه کنند و به تسبیح خداوند پردازند. این نوشتار با تمرکز بر آیه‌ی دوم سوره که وجه تسمیه سوره تلقی شده، ابتدا به بررسی واژگانی «حشر» و مقایسه معانی ارائه شده از آن در ترجمه‌ها پرداخته و سپس با رویکردی تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی، به گزارش‌های متکی بر اسباب نزول و آرای مفسران، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: ۱. تناسب و ارتباط معنایی حشر با نام سوره چیست؟ ۲. چه معانی متفاوتی از حشر در ترجمه‌ها و تفاسیر ارائه شده؟ ۳. پیامد تفاوت معنای حشر در آثار قرآنی چه بوده؟ ۴. صحیح‌ترین معنای حشر در آیه دوم سوره کدام است؟ یافته‌های پژوهش آن است که در اکثر تفاسیر، معنای لغوی حشر با غلبه بر معنای ترکیبی آن در آیه دوم - لأول الحشر - در تضاد

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)، molaeiniya@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران،

marham725@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

با گزارش تاریخی از وقایع هنگام نزول سوره است و برای اصلاح آن معنای صحیح‌تری را انتخاب و پیشنهاد می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: حشر، لاول الحشر، یهود، بنی‌النضیر، بنی‌قینقاع.

۱. مقدمه و طرح مسئله

در ترجمه‌های پارسی و تفاسیر، معنای واحدی از واژه حشر ارائه نشده و همین مسأله باعث شده که برداشت‌های متفاوتی از وقایع زمان نزول سوره در تفاسیر مشاهده شود که گاه با مسلمات تاریخی در تناقض است. از آن‌جا که ملاحظه فضای نزول، شرایط حاکم بر مسلمانان و در موارد مقتضی، توجه به سبب نزول، در فهم بهتر مقاصد آیات مؤثر است، دقت در لحن و سیاق آیات، خطاب‌ها، اوامر و نواهی و... در این سوره نیز بسیار ضروری است. سیاق آیات ابتدایی در بیان دفع شرّ گروهی از کافران اهل کتاب است که خداوند آن را به خود نسبت داده و خطاب به مؤمنان نسبت به این شرّ عظیم هشدار می‌دهد که اگر اراده مستقیم خداوند در دفع این شرّ نبود، مؤمنان خود قادر به آن نبودند و نه مؤمنان و نه آن کافران، هرگز به وقایعی که در سوره به آن‌ها اشاره شده، گمان هم نداشتند و از این‌رو مؤمنان باید نسبت به چنین شرایطی هشیار بوده، با عبرت‌آموزی از این واقعه، از عاقبت مشابهی که نتیجه درافتادن با خدا و رسول است برحذر باشند. در طی نزول آیات این سوره یکی از احکام اسلام برای نخستین بار تشریح شد که از آن به «فیء» تعبیر می‌شود و به غنایمی تعلق می‌گیرد که بدون جنگ و تاخت‌وتاز به دست آمده باشد. توجه به این حکم از آن جهت مهم است که در تفاسیر مورد بررسی این پژوهش، نوع برداشت مفسر از واژه حشر با این تشریح سازگار نیست. البته این سوره از جهات دیگری هم چون جایگاه مهاجران و انصار، نفوذ و پیمان‌شکنی منافقین، ضرورت عاقبت‌اندیشی و اسماء و صفات الهی نیز قابل تأمل است که در این مقال نمی‌گنجد.

بررسی و ارزیابی آرای مفسران و تحلیل رخدادهایی که هم‌زمان با نزول سوره در حال وقوع بوده و به نوعی سبب نزول آیات تلقی می‌شوند، نشان می‌دهد که اکثر مفسران در وجه تسمیه این سوره به «حشر»، تنها به معنای مشهور حشر توجه کرده و به مفهوم خاصی که از عبارت «الأول الحشر» می‌توان دریافت، چندان توجه نکرده‌اند. مفهومی که در تطابق و سازگاری بیش‌تری با واقعه‌ای است که منجر به اخراج قبیله یهودی بنی‌النضیر از مدینه شد و آیه به عنوان یک امر واقعی با لحنی قاطع بدان توجه ویژه داده است. بر این اساس در نوشتار حاضر پس از بررسی لغوی، اقوال مفسران مورد ارزیابی قرار گرفته و با بیان اشکالات این

نقد دیدگاه تاریخی مفسران در تفسیر ... (عزت‌الله مولایی نیا و مریم جزایری) ۱۲۷

اقوال، ضمن نقد برخی از نظرات تفسیری در این خصوص، دیدگاه نوینی ارائه می‌شود که هم فاقد تعارض تاریخی دیدگاه مفسران است و هم با سیاق و لحن آیات ابتدایی سوره تناسب بیش‌تری دارد.

۲. وجه تسمیه سوره به حشر

سوره حشر با ۲۴ آیه، پنجاه و نهمین سوره در ترتیب مصحف و یک‌صد و یکمین در ترتیب نزول (معرفت، ۱۴۲۷ق، ج ۱۳۷/۱) و به اتفاق مفسران تماماً مدنی است. سیاق و هم‌خوانی آیات به گونه‌ای که آن را دارای شخصیتی واحد قرار داده، شاهدهی بر نزول یک‌باره و مدنی بودن آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰۱/۱۹؛ دروزه، ۱۳۸۳ق: ج ۱۱۱/۱). سوره از این نظر که در ۳ آیه پایانی آن مجموعه‌ای از عظیم‌ترین اسما و صفات الهی بیان شده منحصر به فرد است و مشابهی در سایر سوره، ندارد.

ابن عباس و برخی از صحابه، سوره را «النضیر» (بخاری، ج ۲۷۲/۶، حدیث ۳۵۳۹ و همو، ج ۴۰/۸، حدیث ۴۲۳۹؛ بغوی، ۱۴۱۶ق: ج ۵۱/۵؛ آلوسی، ۱۲۷۰ق: ج ۲۳۲/۱۴) و در نقل ابن عاشور و برخی دیگر از مفسران، «بنی‌النضیر» خوانده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۵۶/۲۸)، تا معنای مشهورتر آن که گردآمدن مردم در قیامت است، برداشت نشود (عسقلانی، ۱۴۲۴ق: ج ۴۸۳/۸؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۵۴/۱).

حشر در لغت به معنای جمع شدن، جمع کردن، گردآمدن، گردآوردن، خارج ساختن و نظیر آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۹۰/۴؛ طریحی، ۱۳۷۹ش: ج ۲۶۸/۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶۶/۲). صاحب مفردات آن را بیرون کردن جماعتی از مقرشان به جنگ و مانند آن معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۲۳۷). نیز در معنای آن گفته شده: «حشر» با «حشد» قریب‌المعنی است و هر نوع جمع‌شدنی را حشد گویند و حشر، گردآمدنی است که همراه با راندن باشد (مصطفوی، ۱۳۸۵ش: ج ۲۲۳/۲).

ترکیب اول الحشر در «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ...» (حشر: ۲)، «اضافه‌ی صفت به موصوف» و به معنای حشر اولی (نخستین گردآمدن) است. «ل» در «لاول» به معنای «فی» است - نظیر «ل» بر سر «دلوک» در جمله‌ی «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ» (إسراء: ۷۸)، یعنی «در هنگام دلوک شمس، نماز بخوان» - و معنای آیه این است که:

او (خداوند) همان کسی است که کافران از اهل کتاب (بنی‌النضیر) را در نخستین گردآمدن، از خانه‌هایشان بیرون کرد.

توجه به معنای لغوی حشر، مفهوم مشترک تجمع، گردآوری و تا حدودی اقدام دسته‌جمعی برای انجام کاری را به دست می‌دهد. برخی مترجمان قرآن به فارسی نیز این مفهوم را برداشت کرده‌اند:

اوست آن که برآورد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه‌ی ایشان در اوّل جمع کردن لشکر (دهلوی، ۱۴۱۷ق: ۱۲۳۵).

اوست که کافران از اهل کتاب را در نخستین بیرون‌راندن دسته‌جمعی از خانه‌هایشان بیرون راند (انصاریان، ۱۳۸۳ش: ۵۴۵).

او کسی است که کسانی از اهل کتاب را که کفر ورزیدند در نخستین گردآمدن (و حرکت دسته‌جمعی به سوی جنگ) از خانه‌هایشان بیرون راند (انصاری خوشایر، ۱۳۷۷ش: ۵۴۵؛ رضایی، ۱۳۸۳ش: ۵۴۵).

او خدائی است که بیرون کرده است اهل کتاب را از خانه‌ها و مسکن‌های خودشان در نخست مرتبه حشر آنها (مصطفوی، ۱۳۸۰ش: ج ۱۶/ ۱۱۳).

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه‌هایشان بیرون راند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۳ش: ۵۴۵). دیگر موارد مشابه این ترجمه (پورجوادی، ۱۴۱۴ق: ۵۴۴؛ ارفع، ۱۳۸۱ش: ۵۴۵؛ طاهری، ۱۳۸۰ش: ۵۴۵؛ معزی، ۱۳۸۰ش: ۵۴۵).

در برخی ترجمه‌های انگلیسی هم، معادل «اول حشر» عباراتی چون:

«the first encounter» «the first gathering of forces» «the first mustering»

قرار گرفته که همگی بر مفهوم اجتماع و گردهمایی نظامی دلالت دارند (آربری، بی‌تا: ۵۴۵؛ صفارزاده، بی‌تا: ۱۲۲۳؛ مسلمانان مترقی، بی‌تا: ۵۴۵؛ یوسف علی، بی‌تا: ۵۴۵).

از ۴۳ بار کاربرد این واژه در قرآن، ۳۵ مورد به معنای جمع و گردآوردن در قیامت، و ۸ مورد در غیر معنایی است که به جمع مخلوقات در قیامت مربوط می‌شود. با واکاوی در همین موارد اخیر، معنای «اول الحشر» بر نخستین اجتماع یهویمان مدینه و مشخصاً قبیله بنی‌النضیر، برای مقابله با رسول خدا (ص) و مسلمانان مدینه، قابل تطبیق است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴/ ۴۹۹).

در قرآن، «حشر» حداقل در دو مورد به معنای جمع و اجتماعی آمیخته با تصمیم به مقابله، به کار رفته است: یکی «وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ...» (النمل: ۱۷): «و برای سلیمان سپاهیانش جمع‌آوری شدند...» و دوم «قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى» (طه: ۵۹): [موسی] گفت: «موعد شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد می‌آیند». در آیه دوم سوره حشر نیز همین معنا در ترکیب «لأول الحشر» ظاهر است و لحن و سیاق خود آیه و در ادامه، آیات بعدی نیز آن را تقویت می‌کند که به زودی به آن خواهیم پرداخت.

غالب مفسران سبب نزول این سوره را رویارویی پیامبر با قبیله بنی‌النضیر شمرده و از عبارت «لأول الحشر»، نه نخستین تجمع یهود برای مقابله، بلکه نخستین اخراج یهود از مدینه را برداشت کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۹/۲۸-۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۳۸۶/۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۲۰۲/۱۹). طبرسی از بلخی نقل می‌کند که بنی‌النضیر اولین کسانی از اهل کتاب بودند که از جزیره‌العرب تبعید و اخراج شدند و پس از آن، سایر یهودیان رانده شدند. همو از یمان بن رباب نقل می‌کند که «اول الحشر» یعنی خداوند در اول مرتبه‌ای که پیامبرش با آنها جنگ کرد، فتح و ظفر نصیب پیامبرش نمود (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۳۸۸/۹). اما چنین معنا و برداشتی از «لأول الحشر» ناگزیر به تناقضی تاریخی می‌انجامد. زیرا از یک سو تصریح شده که سبب نزول آیات، مواجهه رسول‌خدا با یهود بنی‌النضیر است و از سوی دیگر «لأول الحشر» به نخستین اجلا و اخراج اهل کتاب تعبیر می‌شود. در حالی که گزارش‌های معتبر تاریخی، حاکی از اخراج قبیله دیگر یهود یعنی بنی‌قیقاع به عنوان نخستین اخراج است و نه بنی‌النضیر.

۳. پیشینه قبایل یهود در حجاز

از آن جا که رویارویی جدی رسول خدا(ص) با بخشی از یهود مدینه، تبعات بسیار مهمی در تاریخ اسلام داشته، بررسی وضعیت یهودیان در سرزمین وحی و نحوه مواجهه آنان با مسلمانان و شخص پیامبر، درک بهتری از فضای نزول این آیات را ممکن می‌سازد. از این رو پیش از پرداختن به مباحث تفسیری و نقد آرای مفسران، اندکی به تاریخچه و پیشینه‌ی حضور قبایل یهودی در جغرافیای اسلام عصر نزول می‌پردازیم. با این بررسی، درک مفهوم آیاتی که به خطر این قوم هشدار داده یا از دوستی با آنان برحذر می‌دارد، آسان‌تر خواهد شد و سیره رسول خدا(ص) در نحوه‌ی ارتباط با غیرمسلمانان به منزله‌ی الگویی دائمی فراروی مسلمانان قرار می‌گیرد.

۱.۳ پیش از بعثت پیامبر

با این که بررسی‌های تاریخی، اطلاعات دقیقی در مورد ورود یهود به سرزمین‌های عربی نشان نمی‌دهد، اما اصل وجود یهود در جزیره‌العرب مسلم است. احتمالاً ورود یهود به جزیره‌العرب در عهد بخت‌النصر بوده است (جواد علی، ۱۴۲۲ق: ج ۱۲/۷۹-۸۷) و با ظهور امپراطوری روم و غلبه‌ی آنان بر شام، برخی از یهودیان ناچار به اطراف یثرب و ارتفاعات حجاز گریختند (جواد علی، ۱۴۲۲ق: ج ۱۲/۹۴). یک احتمال دیگر درباره‌ی دلایل ورود قبایل یهودی به حجاز، تصرف فلسطین و ویرانی معبد در سال ۷۰م است، که از سوی برخی اندیشمندان بیان شده است (حتی، ۱۳۶۶: ۷۸).

علاوه بر دلایل فوق که جنبه‌ی نظامی داشته و مؤیدات تاریخی نیز دارد، برخی نیز به انگیزه‌های تجاری و میل به بهره‌برداری از بازارهای سودآور حجاز و وادی‌القری که از سکونت‌گاه‌های مهم یهود بوده، اشاره دارند. طایفه‌ای از یهود که از یمن و یثرب طرد شده بودند، در طائف سکونت داشته و به تجارت می‌پرداختند (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۲۲). برخی دلایل اقتصادی نیز پس از رشد جمعیت و عدم دسترسی به منابع غذایی کافی، منجر به مهاجرت یهودیان به حجاز و یثرب شد (ولفنسون، ۱۹۱۴م: ۸-۱۱). اما از آن جا که علمای یهود در کتب خود نشانه‌های پیامبر آخرالزمان را خوانده بودند که در سرزمین عرب ظهور و به شهری پر از نخل هجرت خواهد کرد، ابن‌النجار به نقل از برخی مورخان، انگیزه‌های مذهبی را دلیل اصلی مهاجرت آنان به سرزمین‌های حجاز شمرده است. از این رو برخی یهودیان به خیبر که نخلستان‌های فراوان داشت رفتند و جمع کثیری از آنان نیز راهی یثرب شدند (ابن‌النجار، ۶۴۳ق: ج ۱/۲۷؛ حموی، بی‌تا: ج ۵/۲۲۵؛ الأصبهانی، ۱۴۰۶ق: ۷۴-۷۵؛ شهرستانی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۹). روایت ابوبصیر از امام صادق (ص) به همین نکته اشاره دارد و در تفسیر آیه شریفه: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ...» (بقره: ۸۹): «و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آن‌چه نزد آنان است برای‌شان آمد و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می‌جستند، ولی همین که آن‌چه [که اوصافش] را می‌شناختند برای‌شان آمد، انکارش کردند...»، به سخن علمای یهود و انتظار پیامبر موعود توجه می‌دهد که با افزایش جمعیت دو تیره‌ی اوس و خزرج در مدینه و دست‌اندازی به اموال یهودیان، به آن‌ها می‌گفتند هان! اگر محمد مبعوث شود، شما را به یاری او از این سرزمین بیرون می‌کنیم. اما با

نقد دیدگاه تاریخی مفسران در تفسیر ... (عزت‌الله مولایی نیا و مریم جزایری) ۱۳۱

بعثت آن حضرت، اوس و خزرج به آن حضرت ایمان آوردند و یهود به وی کافر شدند (کلینی، ۴۰۷ق: ج ۳۰۹/۸ و ج ۶۹۱/۱۵-۶۹۳).

اگرچه گزارش دقیقی از روابط و پیمان‌نامه‌های بنی‌النضیر با اوس و خزرج در زمان تسلط یهودیان بر یثرب وجود ندارد؛ اما چنان که آمد، در دوره‌ی تسلط عرب‌ها بر یثرب، بنی‌النضیر هم‌پیمان اوس شدند (ابن هشام، بی تا: ج ۳۸۲/۲؛ ابن اثیر، بی تا: ج ۲۱۰/۵) و در برخی تفاسیر از هم‌پیمانی آن‌ها با خزرج نیز سخن گفته شده است (طبرسی، ۴۱۸ق: ج ۶۰/۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ج ۲۲۸/۱).

اگر دلیل مهاجرت یهود را انگیزه‌های عقیدتی بدانیم، به واقعیت نزدیک‌تر است و آن چه این دیدگاه را تقویت می‌کند، شرایط اقلیمی و وضعیت آب‌وهوای جزیره‌العرب است که برای زندگی مناسب نبود. نه زمین‌های آن برای کشاورزی مناسب بود و نه خشکی هوا و کمبود آب و بارندگی، می‌توانست جاذبه‌ای برای سکونت تلقی شود. قرآن نیز که یهود را به دلیل عدم‌پذیرش اسلام با وجود بشارت ظهور او در تورات، سرزنش می‌کند، تا حدودی وجود انگیزه‌ی اعتقادی و خودخواسته بودن مهاجرت آنان را تقویت می‌کند. (مثلاً: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۴۶): «کسانی که به ایشان کتاب [آسمانی] داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او [محمد] را می‌شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند، و خودشان [هم] می‌دانند»).

مطالعه تاریخ عرب و اشعار عصر جاهلی نیز نشان می‌دهد که یهود در میان اعراب جاهلی شناخته شده و اعراب عصر جاهلی از احوال آن‌ها آگاه بوده‌اند (شوقی، ۱۴۲۶ق: ج ۵۴/۱). با این پیشینه می‌توان ادعا کرد که در آستانه‌ی ظهور اسلام دو گروه عمده در جزیره‌العرب سکونت داشتند: اول بت‌پرستان که در شهرها و بادیه‌ها جمعیت غالب بوده و خواندن و نوشتن نمی‌دانستند و با وجود برخوردارگی از طبع شعر و ذوق ادبی، فاقد هرگونه ادبیات مکتوب بودند و کتابت در این گروه صرفاً منحصر به نوشته‌های کوتاه تجاری یا طلسمات و تعاویذ بوده و چون کتاب و تعالیم مکتوب دینی نداشتند، «أمیین» خوانده می‌شدند. دوم اقلیتی پراکنده در جزیره‌العرب که پیروان آیین یهود یا مسیحیت بوده و با کتب دینی به خصوص تورات و انجیل آشنایی داشته‌اند. چون در میان آنان عالمانی بوده‌اند و خواندن و نوشتن و آموزش منظم نزد آنان تا حدودی رواج داشته، با عنوان «اهل کتاب» شناخته می‌شدند (پاکتچی، ۱۳۸۰ش: ج ۴۷۵/۱۰).

در نگاه عرب پیش از اسلام، گروه دوم به ویژه یهودیان، اقلیتی فرهیخته‌تر دانسته می‌شدند و عرب‌ها در برابر آنان احساس حقارت می‌کردند: «عندهم علم لیس لنا» (ابن هشام، بی‌تا: ج ۳۷/۲). برتری فرهنگی اهل کتاب بر امیین، با تمام ناگواری، از سوی اکثریت بت‌پرست نیز در عمل پذیرفته شده بود. خطاب به «اهل کتاب» در قرآن کریم، بیانگر کاربرد این اصطلاح، پیش از ظهور اسلام است. تقابل اهل کتاب و امیین به عنوان یک طبقه‌بندی فرهنگی اجتماعی در آیات متعددی از قرآن قابل مشاهده است. (مثلاً: «...وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَلِإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران: ۲۰): «...به کسانی که اهل کتاب‌اند و به مشرکان بگو: «آیا اسلام آورده‌اید؟» پس اگر اسلام آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند، و اگر روی برتافتند، فقط رساندن پیام بر عهده‌ی توست، و خداوند به [امور] بندگان بیناست».

۲.۳ قبایل یهود پس از بعثت پیامبر

کاربرد قرآنی دو تعبیر اهل کتاب و امیین با مفاهیم شناخته شده نزد عرب، بیانگر تغییراتی بنیادی در طبقه‌بندی فرهنگی مردم جزیره‌العرب است؛ که عملاً به انهدام این شرایط فرهنگی و انتفای آن تقابل منجر شده است (پاکتچی، ۱۳۸۰: ج ۱۰/۴۷۶). با بعثت رسول خدا و مواجهه فرهنگی قرآن با مردم حجاز، اگر چه در ۱۳ سال نخست عموماً متوجه مشرکان مکه و بت‌پرستان است، اما خطاب ویژه به پیروان آیین یهود و مسیحیت پس از هجرت و در دوران استقرار پیامبر در مدینه، رفته‌رفته به این برتری فرهنگی پایان داد و علمای هر دو آیین از گسترش سریع فرهنگ اسلام که به بهای کم‌رنگ شدن سیطره آنان بر سایر قبایل و طوایف غیریهودی و غیرمسیحی بود، احساس خطر کردند. به ویژه که این رنگ‌باختگی با ظهور تحولات عمیق در همان امیینی بود که تا چندی پیش با اندک بهانه‌ای واهی، جنگ‌هایی تا چندین دهه به‌راه می‌انداختند و اینک با ایمان به رسول خدا و انجام فرامین قرآن نه تنها از پبله جهل، خرافات و توحش خارج شده و تأثیر آموزه‌های وحیانی را در رفتار و متانت خود نشان می‌دادند، بلکه برخی از آنان به عنوان الگوی دیگران معرفی می‌شدند و این دو گروه، به‌ویژه یهودیان ساکن مدینه، نسبت به چنین تحولات شگرفی در هم‌نشینیان پیشین و نومسلمانان کنونی، از زوال برتری و نفوذی که طی سالیان دراز شکل گرفته بود بر خویش هراسان شدند. شاید به همین دلیل در دوران مدینه که خطابات قرآن در دعوت، هشدار و تحذیر نسبت به

اهل کتاب بیش‌تر شد، آنان نیز برای حفظ جایگاه خویش به انواع توطئه‌ها و پیمان‌شکنی روی آورده، به هر طریق ممکن در پی تداوم سیطره فرهنگی خود بودند.

بررسی تاریخ یهود و به ویژه بنی اسرائیل به خوبی روشن می‌سازد که این تغییر شرایط و در پی آن از دست دادن جایگاه برتر نسبت به عرب پیش از اسلام، هرگز از سوی یهود پذیرفته نشد و با علم به حقانیت رسول خدا(ص) و آگاهی از بشارت تورات بر ظهور آن حضرت، جز اندکی از آنان ایمان نیاوردند و خصلت برتری‌جویی آنان منجر به برخوردهای مستمر با مسلمانان گردید(واقعی، ۱۴۰۹ق: ج ۳۶۵/۱ و ج ۵۰۱/۲).

تعامل و تقابل اسلام با اهل کتاب و به ویژه قبایل یهودی عمدتاً پس از هجرت رسول خدا(ص) به مدینه شکل گرفت. با استقرار آن حضرت در مدینه، ارتباطات جامعه‌ی نوپای اسلامی به رهبری رسول خدا(ص) سامان یافت. در این راستا یکی از مهم‌ترین اقدامات پیامبر برای ایجاد یک نظام سیاسی، تدوین پیمان عمومی یا مواعده‌ی یهود میان ایشان و گروه‌های مختلف ساکن مدینه است. پیامبر گرامی، در نخستین روزهای ورود به مدینه با هدف تشکیل جامعه‌ای بر پایه‌ی آموزه‌های وحیانی، به خوبی ضرورت هم‌بستگی و اتحاد اقشار گوناگون مدینه را دریافت و بر همین اساس با همه‌ی قبایل و طوایف ساکن مدینه به صورت عمومی پیمان‌نامه‌ای را تنظیم و امضا کرد که مورخان از آن به تعبیری چون دستور المدینه یا صحيفة المدینه یاد کرده‌اند. این پیمان‌نامه در جایگاه و چارچوب یک قانون اساسی بود و پیامبر(ص) بر آن بود تا مردم در جامعه‌ای که بر اساس ارزش‌های متفاوت در کنار هم زندگی می‌کنند، بر مبنای نظام‌نامه‌ای عمل کنند که ضمن احترام به عقاید مذهبی مختلف، اصولی مشترک، با محوریت آموزه‌های قرآن، سبک زندگی اسلامی و رهبری آن حضرت را رعایت نمایند. از این رو در ابتدای ورود به مدینه، با دعوت از همه‌ی طوایف ساکن آن و مشارکت آنان، پیمان‌نامه‌ای تدوین شد که به امضای نمایندگان همه‌ی گروه‌ها رسید و در آن تصریح شده بود که در امور مختلف، مرجع رسیدگی کننده، پیامبر خواهد بود (قاسم‌بن سلام، ۱۹۶۸م: ۳۹۳).

صرف‌نظر از اختلافاتی که در گزارش‌های تاریخی از تعداد پیمان‌نامه‌های تدوین شده به چشم می‌خورد (Serjeant, 1964: 3-16)، اما با استناد به پاره‌ای شواهد می‌توان پذیرفت که پیامبر با یهودیان سه قبیله‌ی مهم مدینه یعنی بنی قینقاع، بنی‌النضیر و بنی قریظه نیز پیمان‌نامه‌ای امضا کرده باشند. از جمله گزارش ابن اسحاق از غزوه‌ی بنی قینقاع که آنان را نخستین پیمان‌شکن یهود معرفی کرده‌است (ابن اسحاق، ۱۳۶۱: ج ۳۱۴/۱). یقیناً بدون

عقد پیمان، اطلاق این عنوان موجه نیست. گزارش گفت‌وگوی سلام بن مشکم با بنی‌النضیر نیز که از نقض عهد با پیامبر بر حذر می‌دارد، حاکی از وجود عهد و پیمانی مشخص است (الواقدی، ۱۴۰۹ق: ج ۱/۳۶۵). در گزارش دیگری از غزوه‌ی بنی‌قریظه نیز، می‌توان به سخن رسول خدا(ص) درباره‌ی نقض پیمان‌نامه، استشهاد کرد: «... فقال: إنه قد بلغني أن بني قريظة قد نقضوا العهد الذي بيننا وبينهم...» (الواقدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲/۴۵۸). در همین گزارش، سخن یهودیان بنی‌قریظه در میان خودشان نیز شاهد دیگری بر وجود پیمان‌نامه‌ای مشخص با این قبیله است. چرا که با بالاگرفتن درگیری با خود گفتند: «اگر تسلیم نشویم، مردان مان کشته و زن و فرزندان مان اسیر خواهند شد» (الواقدی، ۱۴۰۹ق: ج ۱/۳۶۹)، زیرا آنان متعهد شده بودند که «به سود و زیان هم قدمی برندارند و همواره بی‌طرفی خود را حفظ کرده و حتی به نفع مسلمانان نیز وارد جنگ نشوند» (دحلان، بی‌تا: ج ۱/۱۷۵). بنا بر نقل واقدی از سوی رسول خدا(ص) برای هر کدام از این سه طایفه، نسخه‌ای نوشته شده بود تا نزد رئیس‌شان محفوظ بماند (طبرسی، ۱۴۱۸ق: ج ۲/۱۵۸).

شاهد دیگر، خود قرآن کریم و سرزنش‌هایی است که در لحن برخی آیات متوجه یهود مدینه و در تفسیر پیمان‌شکنی آنان است (موارد متعدد آیات از جمله: (بقره: ۱۰۱-۱۰۰؛ انفال: ۵۶ و...)). بنا بر این مسلم است که رسول خدا(ص) با سه طایفه‌ی اصلی یهود مدینه پیمانی داشته که منابع تاریخی از پیمان‌شکنی آنان به عنوان دلیل وقوع جنگ با آنان سخن گفته‌اند. بخشی از مفاد پیمان‌نامه طبق گزارش برخی مورخان چنین است:

به موجب این قرارداد، پیامبر با هریک از سه گروه پیمان می‌بندد که هرگز به ضرر پیامبر و یاران آن حضرت گام برندارند و به وسیله‌ی زبان و دست، ضرری به او نرسانند. سلاح و مرکب در اختیار دشمنانش نگذارند. اگر به خلاف متن این قرارداد رفتار کردند، دست پیامبر در ریختن خون و ضبط اموال و اسیرکردن زنان و فرزندان‌شان، باز خواهد بود.

این قرارداد به امضای سران هریک از سه قبیله نیز رسید (طبرسی، ۱۳۸۷ق: ج ۲/۲۲۵ و ۲۳۷). با این مرور کوتاه و آشنایی با زمینه‌های رویارویی اسلام و یهود در مدینه، اکنون می‌توان به بررسی آیات سوره پرداخت و درک بهتری از محتوای کلام الهی داشت.

۴. بنی‌النضیر و سبب نزول سوره حشر

قبیله بنی‌النضیر ثروتمندترین، شجاع‌ترین و مشهورترین قوم یهود بودند که اطراف کوه نضیر در نزدیکی مدینه سکونت داشتند و ابتدا با خزرج هم‌پیمان بودند. با این وجود این قبیله با اوسیان نیز روابطی حسنه داشت. به طوری که بسیاری از اوسیان دوره‌ی شیرخوارگی خود را در میان بنی‌النضیر سپری کرده، یهودی شده بودند (عسقلانی، بی تا: ج ۱/۶۱۳-۶۱۴).

بنی‌النضیر با برخورداری از موقعیت مالی برتر، حتی نسبت به سایر قبایل هم‌کیش خود نیز رفتاری تبعیض‌آمیز داشته، آنان را تحت سلطه‌ی خویش گرفته بودند. حتی در جنگ‌های عصر جاهلی، هم‌پیمان با بت‌پرستان، با دیگر قبایل هم‌کیش خود به ویژه بنی‌قینقاع جنگیدند (اصفهانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳/۲۰؛ ابن‌اثیر، بی تا: ج ۱/۵۱۷؛ مرتضی‌عاملی، ۱۴۰۲ق: ج ۴/۱۴۵-۱۴۶). آنان طبق توافق‌نامه‌ای که در دوره‌ی جاهلی بر بنی‌قریظه تحمیل کرده بودند (بغوی، ۱۴۱۶ق: ج ۲/۳۸)، از بنی‌قریظه به میزان دو برابر، دیه دریافت می‌کردند (بغوی، ۱۴۱۶ق: ج ۱/۱۴۴؛ طبرسی، ۱۴۱۸ق: ج ۳/۳۰۰-۳۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۲/۲۷). از ابن‌عباس نیز روایاتی در خصوص این تبعیض، در پرداخت دیه‌ی قتل نفس نقل شده است (بغوی، ۱۴۱۶ق: ج ۱/۱۴۴؛ طبرسی، ۱۴۱۸ق: ج ۳/۳۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۲/۲۷) و بنا به روایت سدّی، بنی‌النضیر ۶۰ بار شتر بابت دیه می‌پرداخت؛ اما قاتل قُرَظی قصاص می‌شد (طبری، بی تا: ج ۱۰/۳۶۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ج ۲/۲۰).

سلام بن مشکم و حُیّ بن أخطَب هر یک در دوره‌های مختلف ریاست بنی‌النضیر را برعهده داشتند (ابن هشام، بی تا: ج ۲/۴۴؛ یعقوبی، ۱۳۷۱ش: ج ۲/۶۶؛ ابن‌حیان، ۱۳۹۳ق: ج ۱/۲۴؛ اصفهانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۴/۴۶۳؛ حلبی، بی تا: ج ۲/۴۲۳؛ ابن‌کثیر، ۱۳۹۸ق: ج ۳/۲۵۸).

اگر چه حرفه بسیاری از بنی‌النضیر زرگری بود، اما اقتصاد آنان بیش‌تر بر پایه‌ی باغداری و دام‌داری مدیریت و تأمین می‌شد و بر نوع مرغوبی از محصول خرما‌ی آنان تأکید شده که علاوه بر حومه‌ی یثرب (حلبی، ۱۴۲۷ق: ج ۲/۳۶۰)، در خیبر و ذی‌الجدی نیز باغ‌هایی با انواع پرشمار خرما چون عَجْوه، لین و بَرُنّی در اختیار داشتند (حلبی، ۱۴۲۷ق: ج ۲/۳۶۰-۳۶۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۸/۷-۸) که هر یک پس از ۳۰ سال به بار می‌نشست (واقدی، ۱۴۰۹ق: ج ۱/۳۷۳؛ صالحی‌الشامی، ۱۴۱۴ق: ج ۴/۳۲۳). این اطلاعات از آن جهت که در جریان نبرد با رسول‌خدا (ص) بخشی از این درختان به امر خدا قطع شد، حائز اهمیت است.

یکی از مهم‌ترین دلایل تسلط سیاسی و حقوقی بنی‌النضیر بر بنی‌قریظه وجود کعب بن اشرف در میان آنان بود، زیرا وی از احبار ثروتمند بنی‌النضیر بود که با حمایت‌های مالی

خود، توانسته بود نفوذ فراوانی بر دیگر احبار یهود داشته باشد (حلبی، ۱۴۲۷ق: ج ۳/۲۲۴). تا جایی که در محاکم یثرب برای مردم مرجعیت داشت. سیره‌نگاران از وی در کنار تعدادی از احبار بنی‌النضیر به عنوان کسانی نام می‌برند که نقش برجسته‌ای در رویارویی با پیامبر داشتند (ابن هشام، بی تا: ج ۲/۳۵۹؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶: ج ۲/۳۴۲). نفوذ شخصی کعب بن اشرف، در کنار آنچه که از مشخصات وی در متون تاریخی نقل شده مانند زیبایی ظاهری، شاعر بودن، جذابیت برای زنان، جاه‌طلبی و... برای مؤمنان خطری بالقوه محسوب می‌شد که با انگیزه بسیار قوی یهود در احیای سیطره از دست‌رفته پیش از اسلام، همواره مورد توجه آنان بود و با اشعاری که وی در هجو مسلمانان می‌سرود و یا با گستاخی به توصیف زیبایی اندام زنان نومسلمان می‌پرداخت، عمق کینه وی از اسلام، پیامبر و جامعه مسلمان را می‌توان دریافت. وجود چنین کینه عمیقی در شخصیتی چون کعب بن اشرف، همواره می‌توانست تهدیدی بر علیه امنیت مسلمانان مدینه باشد.

از سوی دیگر سابقه‌ی عهدشکنی یهودیان - که از سوی برخی مفسران جزو ویژگی‌های خاص آنان قلمداد می‌گردد - باعث نگرانی رسول خدا (ص) بود. بنا به روایتی از مجاهد آیه ۵۸ انفال به این مسأله اشاره دارد: «وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ»: «و اگر از خیانت گروهی بیمناک شوی (پیمان شان را) به سویشان بیفکن تا شما و ایشان (در آگاهی از لغو پیمان) یک‌سان باشید) که خداوند خیانت‌کاران را دوست ندارد» (طبری، بی تا: ج ۱۴/۲۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۸/۳۱؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ج ۹/۱۱۳). پس از پیروزی در جنگ بدر و به دنبال نزول این آیه، رسول خدا در اقدامی پیش‌گیرانه، بنی‌قینقاع را در بازار مدینه گردآورده از آنان خواست تا از هلاکت سران قریش عبرت بگیرند و از عذابی که خدا بر سر قریش آورده بترسند. پیامبر با این سخنان با آنان اتمام حجت نمود و دوباره به اسلام دعوت کرد (بغدادی، بی تا: ج ۲/۲۹؛ ابن هشام، بی تا: ۵۰۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۱/۳۴۸). اما بنی‌قینقاع در برابر نصایح و هشدار پیامبر به تندی پاسخ دادند و مسلمانان را تهدید نموده، گفتند: «ای محمد پیروزی در برابر قریش، تو را مغرور نکند که تو مردمانی را ملاقات کردی که جنگیدن نمی‌دانستند و شانس به تو رو کرد. ما همانند قریش نیستیم و اگر به جنگ ما آیی، خواهی دانست که چگونه مردمانی هستیم (ابن هشام، (بی تا): ۷۶؛ بیهقی، بی تا: ج ۳/۱۷۳). ولفسون این پاسخ را دلیلی بر قدرت و شجاعت این قوم دانسته و احتمال داده که همکاری پنهان و وعده‌ی حمایت عبدالله بن‌ابی، آنان را به این سخنان تحریک کرده باشد (ولفسون، ۲۰۰۶م: ۱۳۰-۱۲۹؛ طبری، ۱۸۷۹م: ج ۲/۱۷۲؛ ابن هشام، بی تا: ج ۲/۴۷). در مقابل برخی

نقد دیدگاه تاریخی مفسران در تفسیر ... (عزت‌الله مولایی نیا و مریم جزایری) ۱۳۷

مستشرقین که علت اخراج و تبعید بنی‌النضیر و به ویژه قتل کعب بن‌اشرف را به انگیزه‌های اقتصادی و مخالفت وی با پیامبر در تأسیس بازار مدینه نسبت می‌دهند، مستشرق معاصر یوری روبین در مقاله‌ای با عنوان «ترور کعب بن‌اشرف»، گزارش‌های تاریخی متعددی را در این مورد بررسی و در نهایت به همان نتیجه‌ای که مورخان اسلامی بیان کرده‌اند، می‌رسد و نقش کلیدی کعب بن‌اشرف را علت اصلی نقض عهد از سوی بنی‌النضیر و وقوع درگیری معرفی می‌کند (Rubin, 1990: 32).

به گفته ابن‌سعد، پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، باعث حسد و کینه‌ی یهودیان، به ویژه بنی‌قینقاع شد و از آن پس سرکشی آغاز کردند (بغدادی، ۱۴۱۰ق: ج ۲/۲۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۲/۱۳۷). تا جایی که یکی از آنان با بی‌حرمتی به بانویی مسلمان که در بازار یهودیان مشغول خرید بود، موجبات یک درگیری را فراهم آورد. مرد مسلمانی که به دادخواهی آن زن برخاسته بود، یهودی مقصر آن بی‌حرمتی را کشت و خود نیز به دست یاران یهودی مقتول گشته شد. کار بالا گرفت و جنجال دامنه‌دار شد (ابن‌هشام، بی‌تا: ج ۲/۵۶۱؛ ابن‌اثیر، ۱۴۱۷ق: ج ۲/۳۰). این ماجرا سبب شد تا پیامبر آنان را به دلیل نقض پیمان، مجازات نماید و غزوه بنی‌قینقاع به این صورت شکل گرفت. با وساطت عبدالله بن‌ابی‌سلول و پافشاری وی در جلب رضایت پیامبر (ابن‌اسحاق، بی‌تا: ج ۱/۳۱۴؛ ابن‌خیاط عصفری، ج ۱/۲۶؛ طبری، بی‌تا: ج ۲/۴۸۰؛ مسعودی، بی‌تا: ج ۱/۲۰۶)، مجازات بنی‌قینقاع تنها به اخراج آنان از مدینه محدود شد. بنا براین اولین اخراج و اجلائی یهود از مدینه در این ماجرا شکل گرفته و مربوط به قبیله یهودی دیگری غیر از بنی‌النضیر است و همان واقعه تاریخی مهمی است که در تفسیر عبارت «لاول الحشر» از دید مفسران غالباً مغفول مانده است.

تبعید بنی‌قینقاع برای سایر یهودیان و از جمله بنی‌النضیر که از بدو ورود پیامبر به یثرب، منتظر سرکوب مسلمانان به دست قریش بودند، هشدار جدی محسوب می‌شد و موقعیت این گروه بیش‌تر با خطر مواجه گردید. در چنین شرایطی عده‌ای از بزرگان و سران بانفوذ بنی‌النضیر که مورد اعتماد قبایل دیگر بودند، به همراه جمعی از احبار، مخفیانه به مکه رفتند و کنار کعبه با ابوسفیان پیمان بستند تا در رویارویی با پیامبر با یک‌دیگر همکاری کنند (دیاربکری، بی‌تا: ج ۱/۴۶۰). آنان بر کشته‌های بدر گریستند و قریش را بر علیه پیامبر تحریک کردند (طبری، ج ۲/۱۷۸؛ بغدادی، ۱۴۱۰ق: ج ۲/۳۲؛ نمیری، ۱۴۱۰ق: ج ۲/۴۵۴). به‌دنبال این عهدشکنی و نقض پیمان از سوی بنی‌النضیر و سران آن که با آگاهی از تصمیم ابوسفیان مبنی بر حمله به مسلمانان، به یاری او شتافته، شبانه او را جای دادند و اطلاعات مورد نیاز را

در اختیارش نهادند، سریه‌ای برای قتل کعب بن اشرف، صورت گرفت تا زمینه‌های همکاری بنی‌النضیر و قریش تضعیف گردد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۴ق: ج ۱/۲۳۴؛ المنقری، بی‌تا: ج ۱/۲۱۶؛ طبری، بی‌تا: ج ۲/۱۷۷-۱۷۸). علاوه بر این، کمک به ابوسفیان و تصمیم بنی‌النضیر برای کشتن پیامبر، زمینه‌های درگیری را شدیدتر کرد. این اقدامات مصداق بارزی از مفهوم «حشر» است که به عقیده‌ی ما، نخستین اقدام جمعی و گردآوری نیرو توسط بنی‌النضیر برای تهدید و اقدام بر علیه پیامبر و مسلمانان تلقی می‌گردد و مفهوم متفاوتی در برداشت از آیه‌ی دوم سوره حشر را به دست می‌دهد. در واقع بازگشت ترکیب لاول الحشر به اقدام دشمنان پیامبر و اتحادشان در انجام توطئه علیه جامعه‌ی مسلمانان است، نه اقدام پیامبر در تبعید و اخراج آنان از مدینه.

روایت زهری و ابن اسحاق - با برخی تفاوت‌های غیر قابل اعتنا - از توطئه‌ی ترور رسول خدا که مدتی پس از غزوه‌ی سویق یا بئر معونه و پیرو نامه‌ای تهدیدآمیز از سوی قریش، توسط بنی‌النضیر صورت گرفت (ابن هشام، بی‌تا: ج ۳/۶۸۱-۶۸۲؛ طبری، بی‌تا: ج ۲/۵۵۱-۵۵۲؛ بغدادی، ۱۴۱۰ق: ج ۲/۵۷)، باعث شد تا پیامبر که برای کاری به نزد آنان رفته بود، پس از اطلاع از تصمیم بنی‌النضیر به مدینه بازگردد (بیهقی، بی‌تا: ج ۳/۱۸۳؛ ابراهیم حسن، ۱۹۶۴م: ج ۲/۱۵۰) و از طریق یکی از اوسیان به بنی‌النضیر پیام داد که تا اگر ۱۰ روز دیگر محل سکونت خود را ترک نکنند، خونشان هدر خواهد بود. انتخاب پیام‌رسان از میان اوسیان، که هم‌پیمان دوره‌ی جاهلی بنی‌النضیر بود و اینک در کنار پیامبر و در برابر آنان ایستاده بود، بسیار بر آنان گران آمد (طبری، بی‌تا: ج ۲/۵۵۲-۵۵۳؛ ابن سیدالناس، ۱۴۱۴ق: ج ۲/۲۵؛ عسقلانی، ۱۴۲۴ق: ج ۷/۲۵۵) و چون کار خود را تمام یافته دیدند، به جمع‌آوری اموال و دارایی خود پرداختند و برای خروج از مدینه از قبایل عرب شتر کرایه کردند (بغدادی، بی‌تا: ج ۲/۵۷). و مطابق نقلی دیگر پیامبر فردای آن روز بنی‌النضیر را به محاصره‌ی سپاه خویش گرفت و از آنان خواست که برای حفظ امنیت خود، با او پیمان ببندند. اما آنان نپذیرفتند و پس از محاصره‌ای که ۶ شب (ابن کثیر، ج ۳/۱۴۹؛ ابن خلدون، ۱۳۹۱ق: ج ۲/۴۳۹) یا ۱۵ روز (سمرقندی، بی‌تا: ج ۳/۴۰۲؛ بلاذری، ۱۹۵۶م: ج ۱/۱۸؛ بغدادی، ۱۴۱۰ق: ج ۲/۵۸) یا بیش از ۲۰ شب (حلبی، ۱۴۲۷ق: ج ۲/۳۵۹) به‌درازا کشید، رسول خدا با هدایت وحی و به فرمان الهی به قطع درختان پرمیری که برای آنان بسیار قیمتی بود، اقدام و آنان را وادار به تسلیم نمود. بنا بر این در شکل‌گیری غزوه‌ی بنی‌النضیر خبری از تاخت‌وتاز و برپایی معرکه‌ی نبرد نیست. در آیه‌ی دوم سوره، تعبیر هو الذی أخرج... که تبعید بنی‌النضیر را به خداوند نسبت داده، تأکید موجود، مستلزم آن است که واقعه را به گونه‌ای ببینیم که گویا جز با اراده‌ی مستقیم خداوند

قابل اجرا نبوده و با بیان ما ظننتم أن یخرجوا سختی بیرون رفتن بنی‌النضیر به مؤمنان گوش‌زد می‌گردد. استفاده از خروج - و نه إخراج - برای بنی‌النضیر نشانه‌ای است بر این که آنان بر علیه پیامبر و مؤمنان نقشه داشته‌اند و در پشت پرده و به طور پنهانی در تدارک مقابله و دسیسه‌چینی بوده‌اند و چون جز خدا هیچ‌کس از آن خبر نداشت، هم إخراج آنان به خداوند نسبت داده شده و هم رویارویی و ایجاد رعب و وحشت در دل‌های آنان: فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ.

علاوه‌براین، با اشاره قرآن در ادامه آیه دوم، می‌توان دریافت که هیچ‌یک از دو طرف نبرد، کم‌ترین گمانی بر غلبه بر بنی‌النضیر نداشت. «...ما ظننتم أن یخرجوا»: نه مسلمانان به بیرون رفتن بنی‌النضیر گمان داشتند، «و ظنوا أنهم مانعتهم حصونهم من الله...»: و نه بنی‌النضیر به اتکای برج و باروی مستحکم خود، گمان می‌برد که مجبور به ترک مدینه شود. از سوی دیگر تصور مؤمنان از بنی‌النضیر نیروهایی متحد و قوی بود و از اختلافات جدی میان طوایف و شاخه‌های آن خبر نداشتند و خداوند از این اختلافات در آیه ۱۴ پرده برداشت: «...بأسهم بينهم شدید تحسبهم جميعاً وقلوبهم شتى...».

این تعبیرات به خوبی نشان می‌دهد که جامعه‌ی اسلامی در حالی با بنی‌النضیر مواجه شده که هیچ گمان سوء و خطر جدی از ناحیه‌ی آنان احساس نمی‌شده و چنین حالتی بهترین زمان ممکن برای بنی‌النضیر بوده تا با توطئه‌ی قتل پیامبر هدف خود را به پیش برند. چنان که رسول‌خدا(ص) اساساً برای دریافت کمک مالی به قلعه‌های آنان مراجعه فرموده بود و همین شاهدی است بر این که شرایط کاملاً عادی به نظر می‌رسیده که پیامبر تنها با تعداد اندکی از همراهان خود به نزد آنان رفت و در سایه‌ی دیوار یکی از قلعه‌ها به‌انتظار پاسخ ماند و ادامه ماجرا و اقدام به ترور آن حضرت که در نهایت به اخراج و تبعید آنان از مدینه انجامید و باعث شد تا خودشان مسبب بدبختی و آوارگی خود شوند و تعبیر یُخربون بیوتهم بأیدیهم و أیدی المؤمنین فاعتبروا یا أولى الأبصار اشاره به همین مطلب است.

با جمع‌بندی آن چه بیان شد روشن می‌شود که منظور از «حشر نخستین»، اقدامی از سوی قبیله‌ی بنی‌النضیر است که به اخراج آنان از مدینه انجامید. از آن جهت که در نخستین اقدام نظامی و گردآمدن و گردآوردی نیرو بر علیه مسلمین، که پیش از این در هیچ‌یک از قبایل یهود سابقه نداشت، این قبیله به تبعید و إجلا محکوم شدند. این در حالی است که پیش از این، مسلمانان اگر چه در رویارویی با یهودیان قبیله‌ی بنی‌قینقاع درگیری‌های

جسته و گریخته‌ای داشتند، ولی به دلیل عهدشکنی، تهدید پیامبر(ص) و مسلمانان به درگیری و نهایتاً بی‌حرمتی به یک بانوی مسلمان و قتل مدافع او به تبعید محکوم شدند. و نخستین تبعید عهدشکنان در مورد این قبیله به وقوع پیوست، نه بنی‌النضیر.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی تاریخی نزول سوره‌ی حشر نشان می‌دهد که این سوره در جریان اقدامات فتنه‌جویانه‌ی قبیله‌ی بنی‌النضیر نازل شده و لحن و سیاق آیات به گونه‌ای است که رویارویی با آنان هرگز نه برای مسلمانان و نه قبیله‌ی بنی‌النضیر قابل تصور نبوده است. این که خداوند إخراج و إجلا‌ی این قبیله را به خود نسبت می‌دهد، بیانگر شدت و اهمیت اقدام آنان بر علیه رسول خدا(ص) و مسلمانان مدینه است. با توجه به رخداد تاریخی پیش از این رویارویی که إخراج و تبعید قبیله بنی‌قینقاع پس از جنگ بدر است، باید اطلاق اولین تبعید به بنی‌النضیر را اشتباهی تاریخی دانست که غالب مفسران مرتکب شده‌اند و ترکیب لاول الحشر را به این مفهوم گرفته‌اند. در حالی که با شواهد تاریخی و بررسی‌های لغوی در برخی ترجمه‌های قرآن نیز با این حقیقت روبه‌رو می‌شویم که واژه‌ی حشر در این ترکیب در واقع اشاره به تجمع و گردآوری نیروی نظامی از سوی بنی‌النضیر و متحدان آن‌هاست، نه تجمع نظامی مسلمانان و گردآوری نیرو برای تبعید و إجلا‌ی دشمنان. از آن جا که خداوند در طی آیات نخستین این سوره، عوامل پیروزی را به خود نسبت می‌دهد و از سویی این نزاع بدون درگیری نظامی و جنگ‌های متعارف مسلمانان، با شکست بنی‌النضیر و پیروزی مسلمانان و کسب غنائم فراوان خاتمه می‌یابد، معلوم می‌شود که خطری بس بزرگ از سوی دشمنان، پیامبر و جامعه‌ی اسلامی را تهدید می‌کرده که لازمه‌ی دفع شر آن، دخالت مستقیم خداوند عزیز و حکیم است؛ تا در نخستین اقدام و اجتماعی که آنان به خود جرأت و جسارت دسیسه‌چینی علیه رسول خدا(ص) را دادند و در همان ابتدای راه، مجازات شوند و سزای عهدشکنی خود را ببینند و عبرت سایر بدخواهان مسلمین باشند و مطابق عهدنامه‌هایی که پیش از آن منعقد شده بود و بلکه با دریافت تخفیف‌هایی در آن، مدینه را ترک و با ذلت و خواری به سرزمین‌های دیگر تبعید شوند.

کتاب‌نامه

آلوسی، شهاب‌الدین (۱۲۷۰ق) روح المعانی. ج ۱۴. بیروت، نشر الوفاء.

نقد دیدگاه تاریخی مفسران در تفسیر ... (عزت الله مولایی نیا و مریم جزایری) ۱۴۱

الأصبهانی، ابونعیم (۱۴۰۶ق) دلائل النبوة. محقق: محمدرواس قلعه‌جی، عبدالبر عباس. چاپ سوم، بیروت، دار الفنائس.

ابراهیم حسن، حسن (۱۹۶۴م) تاریخ الاسلام. ج ۲، قاهره، مكتبة النهضة المصرية.

ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جزری (۱۴۱۷ق) الكامل فی التاريخ. تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری. ج ۱ و ۲ و ۵، بیروت، دار الكتاب العربی.

ابن إسحاق، محمد بن یسار المطلبی (۳۹۸ق/۱۹۷۸م) السیر والمغازی. تحقیق: سهیل زکار، ج ۱، بیروت، دار الفكر.

ابن النجار، محب الدین (۶۴۳ق) الدرّة الثمينة فی أخبار المدينة، المحقق: حسین محمد علی شکری، ج ۱ (بی‌جا)، شرکة دار الأرقم بن أبی الأرقم.

ابن حیان، معاذ بن مَعْبَد التمیمی (۴۱۲ق/۱۹۹۲م) الثقات، تحت النظر: محمد عبدالمعید خان، ج ۱، حیدرآباد (هند)، دائرة المعارف العثمانية.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۳۹۱ق) تاریخ ابن خلدون. ج ۲، بیروت، دار الإحياء تراث العربی.

ابن سید الناس، محمد بن محمد یعمری (۴۱۴ق) عیون الأثر فی فنون المغازی والشمال والسیر، تحقیق: حسام الدین قدسی، ج ۲، قاهره، مكتبة القدسی.

ابن عاشور، محمد طاهر (۴۲۰ق) التحرير و التنوير. ج ۲۸، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی.

ابن فارس، احمد بن زکریا (۴۰۴ق) معجم مقاییس اللغة، به کوشش عبدالسلام محمد هارون. ج ۲، قم، مكتب التبلیغ الإسلامی التابع للحوزة العلمية.

ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل (۳۹۸ق) البداية و النهاية. ج ۳، بیروت، دار الفكر.

ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل (۱۹۷۱م) السيرة النبوية. تحقیق: مصطفى عبدالواحد، ج ۱، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.

ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل (۴۲۰ق) تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ریاض، نشر الطیبه.

ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل (۳۹۸ق) فضائل القرآن. بیروت، دار ابن کثیر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۴۱۴ق) لسان العرب، ج ۱ و ۴، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.

ابن هشام، عبدالملک الحمیری (۴۱۷ق/۱۹۹۷م) السيرة النبوية، تحقیق مصطفى السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، ج ۲ و ۳، دار المعرفة.

ارفع، سید کاظم (۱۳۸۱ش) ترجمه قرآن، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.

اشکوری، قطب الدین محمد (۱۳۷۳ش) تفسیر شریف لاهیجی. تهران، دفتر نشر داد.

اصفهانى، ابوالفرج علی بن حسین (۴۱۵ق) الأغاني. بیروت، دار الإحياء التراث العربی.

اصفهانى، ابونعیم احمد بن عبدالله (۴۰۵ق) حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء، بیروت، دار الكتاب العربی.

۱۴۲ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲

- المنقري، نصر بن مزاحم. بی تا. وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، ج ۱، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- انصاری خوشابری، مسعود (۱۳۷۷ش) ترجمه قرآن، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳ش) ترجمه قرآن، چاپ اول، قم، نشر اسوه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق) الصحيح. محقق: وزارة الأوقاف لمجلس الاعلى للشئون الاسلامية، ج ۸، قاهره.
- بغدادی، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق) طبقات الكبرى، ج ۲، ۳، ۲۹، بیروت، دار الکتب العلمية.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۱۶ق) معالم التنزیل، محقق: عبدالرزاق، مهدی، ج ۱، ۲، ۵، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق) جمل من أنساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض الزرکلی، ج ۱، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
- بلاذری، أحمد بن یحیی (۱۹۸۸م) فتوح البلدان، تحقیق: صلاح الدین المنجد، ج ۱، قاهره، مكتبة النهضة المصرية.
- بیهقی، أبی بکر أحمد بن الحسین. بی تا. دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة. تعليق: عبدالمعطي قلجی. ج ۳، چاپ اول، بیروت، دار لکتب العلمية.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۰ش) دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر موسوی بجنوردی، محمد کاظم، ج ۱۰، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- پورجوادی، کاظم (۱۴۱۴ق) ترجمه قرآن، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- حَتّی، فیلیپ خوری (۱۳۶۶ش) تاریخ عرب. ترجمه محمد سعیدی، تهران، زوار.
- حلبی، ابوالفرج (۱۴۲۷ق) السیرة الحلبيّة، ج ۲ و ۳، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمية.
- حموی، شهاب الدین یاقوت (۱۹۷۹م) معجم البلدان. ج ۲ و ۵، بیروت، دار الإحياء التراث العربی.
- خطیب، عبداللطیف (۱۴۳۰ق) معجم القراءات. ج ۸، بیروت، دار سعد الدین.
- دحلان، سید احمد زینبی. بی تا. السیرة النبویة و الآثار المحمدیة، ج ۱، بیروت، دار المعرفة.
- دروزه، محمد عزت (۱۴۲۱ق) التفسیر الحديث. بیروت. دار الغرب الاسلامی.
- دهلوی، شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم (۱۴۱۷ق) ترجمه فارسی قرآن، مدینه، مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشريف.
- دیاری بکری، حسین بن محمد (۱۳۸۳ق) تاریخ الخمیس فی احوال الأنفس و نفیس. بیروت، دار صادر.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۰۴ق) مفردات، تهران، دفتر نشر کتاب.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (و همکاران ۱۳۸۳ش) ترجمه قرآن، قم، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.

نقد دیدگاه تاریخی مفسران در تفسیر ... (عزت‌الله مولایی نیا و مریم جزایری) ۱۴۳

- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق) الکشاف. ج ۴، بیروت. دار الکتب العربی.
- زیلعی، عبدالله (۱۴۱۴ق) تخریج الأحادیث و الآثار. به کوشش عبدالله سعد، ج ۳، ریاض. وزارة الشؤون الإسلامية و الأوقاف و الدعوة و الإرشاد.
- سمرقندی، ابوليث. بی تا. تفسیر السمرقندی، تحقیق: محمود مطرجی، ج ۳، بیروت، دار الفکر.
- سرجنت. آر. بی (۱۳۷۶ش) مدینه در زمان هجرت پیامبر. ترجمه رسول جعفریان. مجله میقات حج، شماره ۲۰.
- سیوطی، جلال‌الدین محمد (۱۴۱۶ق) خصائص الكبرى. ج ۱ و ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال‌الدین محمد. بی تا. الدر المثلث، بیروت، دار الفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین محمد (۱۴۱۶ق) الإیتقان فی علوم القرآن، محقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، هیئته المصریة العامة للكتاب، بیروت، دارالفکر.
- شوقی، عبدالسلام احمد ضیف (۱۴۲۶ق) تاریخ الأدب العربی العصر الجاهلی، بی جا، دار المعارف.
- شهرستانی، محمد (۱۴۰۴ق) الملل و النحل، به کوشش محمد سعید کیلانی، بیروت.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن. تهران، موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.
- صالحی الشامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق) سبل الهدی والرشد فی سیره خیر العباد، ج ۴، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود، علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- طاهری قزوینی، علی اکبر (۱۳۸۰ش) ترجمه آزاد قرآن، چاپ اول، تهران، نشر قلم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۹ش) مجمع البحرین. ج ۳، تهران.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش) اعلام الوری باعلام الهدی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۹، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش) تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ۲، ۳ و ۹، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق) احکام القرآن، ج ۱ و ۵، بی جا.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق) جامع البیان عن تاویل آی القرآن، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.
- طبری، محمد بن جریر. بی تا. (استنساخ از نسخه چاپی انتشارات بریل ۱۸۷۹م، لیدن). تاریخ الرسل و الملوک، ج ۲، ۱۴ و ۱۰، بیروت، روائع التراث العربی، مکتبه خیاط.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق) تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهيم، چاپ دوم، بیروت، دار التراث.

۱۴۴ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲

- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق) جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق) الأمالی، محقق: مؤسسة البعثة، ج ۹، قم، دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: عاملی، احمد حبیب، با مقدمه آقابزرگ تهرانی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عسقلانی، ابن حجر احمد (۱۴۲۴ق) فتح الباری، ج ۸ و ۷، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- عسقلانی، ابن حجر احمد. بی تا. العجائب فی بیان الأسباب، محقق: عبدالحکیم محمد الأنیس، ج ۱، بیروت، دار ابن الجوزی.
- عسقلانی، ابن حجر احمد (۱۴۲۷ق) سبل السلام شرح بلوغ المرام. ریاض، مکتبۃ المعارف.
- عصفری، أبو عمرو خلیفه بن خیاط (۱۴۱۵ق) تاریخ خلیفه بن خیاط. تحقیق فواز، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- علی، جواد (۱۴۲۲ق) المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، چاپ چهارم، بغداد، دار الساقی.
- قاسم بن سلام، ابو عبید (۱۹۶۸م) کتاب الاموال، به اهتمام محمد هرأس، بیروت، دار الفکر
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق) تفسیر القرطبی، تحقیق: أحمد عبدالعلیم البردونی، ج ۱، ۸ و ۱۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- کاشانی، فتح الله (۱۳۳۶ش) منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۱، تهران: انتشارات علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق) الاصول من الکافی. به کوشش علی اکبر غفاری، ج ۱۵ و ۸، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- گوتو، آکیرا (۱۳۷۶ش) قانون نامه ی مدینه. ترجمه شهلا بختیاری، مجله کیهان اندیشه، شماره ۷۵.
- مختار، عمر (۱۴۱۲ق) معجم القراءات القرآنیة. به کوشش عبدالعال سالم مکرم. ج ۷، قم، انتشارات اسوه.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵ش) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، تهران، دفتر نشر آثار علامه مصطفوی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰ش) تفسیر روشن. ج ۲، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش) تفسیر نمونه، ج ۲۳، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش) ترجمه قرآن، چاپ دوم، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳ق) بحار الانوار، ج ۲۲، قم، دارالکتب الاسلامیة.
- معزی، محمد کاظم (۱۳۷۲ش) ترجمه قرآن. قم، انتشارات اسوه.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۶ق) الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۴، بیروت، دار السیرة.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۵۷ق) التنبیة و الاشراف، ج ۱، قاهره، نشر عبدالله اسماعیل صاوی.

نقد دیدگاه تاریخی مفسران در تفسیر ... (عزت‌الله مولایی نیا و مریم جزایری) ۱۴۵

مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن (۱۴۲۴ق) تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: أحمد فرید، ج ۱، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.

نمیری بصری، ابوزید عمر ابن شبه (۱۴۱۰ق) تاریخ المدینة المنورة، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، ج ۲ و ۴، چاپ دوم، قم، نشر قدس.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق) المغازی. تحقیق مارسدن جونز، ج ۱ و ۲، بیروت، دار الأعلمی.

واقدی، ابن سعد الکتب (۱۴۱۰ق) الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، ج ۲، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.

ولفنسون، اسرائیل (۱۹۱۴م) تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام، قاهره، مکتبة الاعتماد.

یعقوبی، أحمد ابن إسحاق جعفر بن وهب. بی تا. تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.

یعقوبی، أحمد ابن إسحاق جعفر بن وهب (۱۴۲۲ق) البلدان، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.

نرم افزار جامع التفاسیر، نسخه ۳، ترجمه های انگلیسی قرآن: آربری، صفارزاده، مسلمانان مترقی و یوسف علی.

Gil.Moshe, 1974, *The constitution of Medina, A Reconsideration*, Israel oriental Studies, IV.

Goto, A. , OR 1982 *The constitution of Medina*, vol.18.

Kister, M.J. 1965. *The Market of the Prophet*, Journal of the economic and social history of the Orient, 8.

Rubin.Uri. 1990. *The Assassination of Kab b.Ashraf*. *Orients*, 32.

Rubin, Uri, *The Life of Muhammad*, Broofield.

Serjeant. R.B. 1964. *The constitution of Medina*, Islamic quarterly, VIII.

Serjeant. R.B. 1984. *Al-Medina of the time of Muhammad's coming* ,OR, vol.20.

Serjeant. R.B. 1978. *The sunna, jamiah, Pacts with the Yathrib Jews and the tahrim of Yathrib*, Analysis and Translation of the Document comprised in the so called constitution of Medina”,BSOAS,XLI/1).